

Explaining the clarification and care-oriented approach of moral education in the face of virtual space

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Ali Namjoo¹
Akbar Rahnama^{2*}
Hamid Moghadasi³

How to cite this article

Namjoo Ali, Rahnama Akbar, Moghadasi Hamid, Explaining the clarification and care-oriented approach of moral education in the face of virtual space, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 7(5): 127-135.

1. PhD student, Department of Educational Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Shahid University, Tehran, Iran (corresponding author).

3. Professor, Department of Health Information Technology, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Email: rahnama_akbar43@yahoo.cm

ABSTRACT

Undoubtedly, without ethics and considering it, one cannot have a correct understanding of its use and application in the virtual space; Because always in the virtual space what is most visible and manifested is the ethics and the application of ethics for the cases of the users and users of the virtual space and the Internet in this context. The topics of moral education have been examined around two approaches proposed in this research: One is the approach of clarification in moral education and the other is the approach of care-oriented moral education, and in the field of cyberspace, more opportunities and threats (challenges) that users of cyberspace are dealing with have been discussed. The evidence shows that Iran's society now and without a doubt in the coming years, more than anything else, needs to pay attention to the cultivation of human beings, or in other words, citizens born with moral values. In this research, the author is trying to evaluate new educational approaches and their relationship with virtual space from the aspect of ethics. It also introduces solutions so that the users of the virtual space understand the opportunities and threats they will face. It seems that ethics is one of the important issues and of course we must say that it is one of the current and future challenges of the societies and education systems of other countries of the world and will be.

Keywords: Ethics, moral education, virtual space, care-oriented approach, clarification approach.

تبیین رویکرد شفاف سازی و مراقبت محور تربیت

اخلاقی در مواجهه با فضای مجازی

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت اخلاقی، فضای مجازی، رویکرد مراقبت محور، رویکرد شفاف سازی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴

*نویسنده مسئول: rahnama_akbar43@yahoo.com

علی نامجو^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اکبر رهنما^{۲*}

دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

حمید مقدسی^۳

استاد، گروه فناوری اطلاعات سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

بی‌شک بدون اخلاق و لحاظ کردن آن نمی‌توان درک درستی از کاربرد و کاربست آن در فضای مجازی داشت چرا که همیشه در فضای مجازی آن چه که بیشتر از همه نمایان و نمود پیدا می‌کند اخلاق و کاربست اخلاقیات برای موارد استفاده کنندگان و کاربران فضای مجازی و اینترنت در این بستر می‌باشد. مباحث حوزه تربیت اخلاقی حول دو رویکرد مطرح شده در این پژوهش بررسی شده است یکی رویکرد شفاف سازی در تربیت اخلاقی و دیگری رویکرد تربیت اخلاقی مراقبت محور و در حوزه‌ی فضای مجازی بیشتر بر فرصت‌ها و تهدیدها (چالش‌ها) که با آن کاربران فضای مجازی دست به‌گریبان هستند پرداخته شده است. شواهد نشان می‌دهد که جامعه ایران هم اکنون و بی‌تردید در سال‌های آینده بیش از هر چیز دیگری نیازمند توجه به پرورش انسان‌ها یا به عبارتی شهروندان متخلق به ارزش‌های اخلاقی است. در این پژوهش نگارنده تلاش دارد رویکردهای نوین تربیتی و ارتباط آن با فضای مجازی از حیث و جنبه‌ی اخلاق مورد ارزیابی قرار می‌دهد و راهکارهایی را معرفی می‌نماید تا استفاده کنندگان از فضای مجازی به درک درستی از فرصت‌ها و تهدیدهایی که با آن روبرو خواهند شد بپردازند. به نظر می‌رسد اخلاق از مسائل مهم و البته باید بگوییم از چالش‌های حال و آینده جوامع و بالمال نظام‌های تربیتی کشورهای دیگر جهان بوده و خواهد بود.

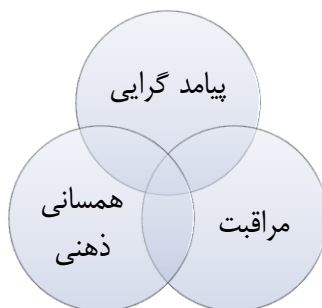
مقدمه

تربیت اخلاقی^۱ از دیر باز مورد توجه فیلسوفان، معلمین و والدین قرار داشته است. جوامع مختلف نهادها و مؤسسات اجتماعی نیز در طول اعصار به صورت‌های گوناگون به این مهم توجه خاصی مبذول داشته‌اند. از طرفی تعلیم و تربیت در ارائه جنبه‌ها و ابعاد مختلفی است که از آن میان می‌توان به تربیت جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی و معنوی اشاره کرد.

تربیت اخلاقی، بدون تردید از مهم‌ترین وظایف تعلیم و تربیت در هر جامعه است و هدف آن پرورش شهروندانی است که علاوه بر برخورداری از هوش و ذکاوت، افرادی با فضیلت، خیر و نیکوکار بار آورده و تحویل جامعه بدهد. از سویی برخی از صاحب نظران تعلیم و تربیت به عنوان نمونه جورج نلر (۱۹۷۱) اصولاً تعلیم و تربیت را اقدامی اخلاقی دانسته و رسالت اخلاقی تعلیم و تربیت را ایجاد شرایط مناسب آموزشی و پرورشی جهت بهزیستی نسل‌های آینده می‌داند.

به نظر «نلر^۲» یکی از هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت در هر زمانی پرورش منش و کردار اخلاقی شاگردان است (۱).

برخی از مؤلفین طبقه بندی سه گانه‌ای از اخلاق ارائه می‌دهند که در آن به جای ارائه دیدگاه‌های سنتی که اخلاق را به ذهنی و عینی تقسیم می‌کنند، دیدگاهی سه گانه (اخلاق وظیفه‌گروی، اخلاق پیامد‌گرا، و اخلاق مبتنی بر مسئولیت) ارائه داده‌اند که در واقع اشاره به سه جنبه مرتبط به هم رفتارهای اخلاقی است؛ این دیدگاه در شکل زیر نمایش داده شده است.



شکل ۱: جنبه‌های رفتارهای اخلاقی

² J.Neler

¹ moral education

از زمان فلاسفه یونان، معلم عملکرد خود را در مدرسه به عنوان یک مربی اخلاقی پذیرفته است. بسیاری از پژوهشگران در حوزه تعلیم و تربیت، به نقش مدرسه در رشد اخلاقی اذعان نموده اند. با این حال، این عملکرد مدرسه تبدیل به مسئله‌ای بحث برانگیز شده است. جوامع سکولار که به جدایی نهاد دین و حکومت معتقدند، باور دارند که وظیفهٔ مدرسه ایفای نقش در رشد ارزش‌های اخلاقی شاگردان نیست. این گروه معتقدند که ارزش‌های اخلاقی مسائلی مربوط به حوزهٔ خصوصی هستند و نباید در کلاس مطرح گردند.

از طرف دیگر، برخی از متولیان نهادهای دینی در این کشورها ادعا می‌کنند که تربیت اخلاقی شاگردان نباید بخشی از برنامهٔ درسی مدرسه باشد زیرا تلاش در این راستا به تلقین می‌انجامد، آنان ادعا می‌کنند که مدرسه بدون تلقین قادر به تربیت اخلاقی نیست. به این معنی که مدرسه مجموعهٔ مشخصی از ارزش‌ها را بدون در نظر گرفتن نظرات و شواهد له و علیه مجموعه آموزشی، آموزش می‌دهد. علاوه بر این، این گروه معتقدند همان گونه که رابرت هال^۱ بیان می‌کند، تلقین کننده "عموماً مایل است افراد توانایی استدلال خود را در مورد مسائل اخلاقی به کار نگیرند". به نظر می‌آید این رویکرد به تربیت، که هدف کلاس درس تنها ارائه ارزش‌های مورد نظر معلم باشد و تفکر اخلاقی در مورد موضوعات و مسائل مختلف برانگیخته نشود، رویکردی بسیار بسته باشد.

برخی دیگر (از جمله طرفداران رویکرد شفاف سازی ارزش‌ها) ادعا می‌کنند که تربیت اخلاقی بخش مهم فعالیت‌های مدرسه است، با این حال در اینکه چه برنامه‌ای برای تربیت اخلاقی شاگردان باید تدوین شود، اختلاف نظر وجود دارد. اما، آنان عموماً توافق دارند (حداقل در حوزهٔ خاصی از رفتار) که برنامه‌های موجود مدارس در مقایسه با ۲۵ سال قبل، تأثیر کمتری بر رشد اخلاقی کودکان داشته است. بنابراین، در یک سو کسانی قرار دارند که کاملاً مخالف آموزش‌های اخلاقی در کلاس درس هستند، و در سوی دیگر کسانی هستند که موافق تربیت اخلاقی در مدرسه هستند، اما معتقدند که مدرسه تأثیری را که باید داشته باشد، ندارد.

به نظر می‌آید، نظام آموزشی به راحتی نمی‌تواند از درگیر شدن در مسئله ارزش‌های اخلاقی دانش آموزان اجتناب کند. زیرا تربیت اخلاقی نه تنها تأثیر تعمیدی بلکه تأثیر ضمنی بر رشد اخلاقی دانش آموز را در بر دارد. گاهی، روش آموزش معلم بر موضوع درسی وی رنگ ارزش می‌زند. این امر، همراه با این واقعیت که دانش آموزان عملاً همه چیز (از جمله آموزش خاص، نگرش‌ها، و غیره) را از معلم خود جذب می‌کنند، این موضوع را اجتناب ناپذیر می‌سازد که ارزش‌های اخلاقی بخشی از کلاس درس باشند. علاوه بر این، از آنجا که دانش آموز بخش اعظم زمان خود را که حدود شش ساعت در هر روز و حدود صدو هشتاد روز در هر سال است، در مدرسه می

فناوری و آخرین دست‌آورد آن یعنی فناوری اطلاعات و ارتباطات به دلیل حضور گسترده و چشم گیر در حوزه‌های گوناگون زندگی بشر و به خصوص در حوزه تعلیم و تربیت و هم چون سایر جنبه‌ها و رویدادهای تعلیم و تربیت نیازمند پرسش خردمندانه یا به عبارت دیگر پرسش فلسفی است. چگونگی تجربه واقعیت از راه فناوری اطلاعات از سوی آدمی با تجربه طبیعی جهان تفاوت‌هایی دارد. نتایج ودالات‌های تربیتی این تفاوت‌ها برای تعلیم و تربیت مهم است زیرا به روشنگری بیش‌تر فرصت‌ها و محدودیت‌های فناوری اطلاعات در حوزه تعلیم و تربیت می‌انجامد.

در بررسی فلسفی فناوری اطلاعات می‌توان پرسش مهمی مطرح کرد: "خاستگاه، جایگاه و ارتباط فناواری اطلاعات در نسبت با انسان و محیط چگونه است؟" و از آن جا که یکی از موضوع‌های اساسی آدمی، تعلیم و تربیت اوست، می‌توان پرسید: "فناواری اطلاعات در تعلیم و تربیت آدمی چه خاستگاه و جایگاهی دارد؟" متفکران و فیلسوفان تعلیم و تربیت با توجه به دیدگاه خود به این پرسش، پاسخ‌های گوناگونی داده اند که هر یک مجموع فرض‌های متفاوتی درباره چستی دانش، هدف تعلیم و تربیت، خط مشی‌های مربوط به نژاد، طبقه و جنسیت و فرصت‌ها و تهدیدهای فناواری دارد (۲).

رویکرد شفاف سازی ارزش‌ها در تربیت اخلاقی:

بحث در مورد ارزش و ارزش‌ها از مباحث مهم در پژوهش فلسفی بوده و خواهد بود. جنبه‌های مختلفی در ارتباط با موضوع ارزش‌ها وجود دارد که می‌تواند به عنوان موضوع پژوهش فلسفی در نظر گرفته شود. به طور معمول، نهادهایی مانند خانواده، دین و نظام آموزشی در ارزش پذیری افراد نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

ارزش پذیری بخش اساسی رشد اخلاقی فرد و نیز هدف اساسی تربیت اخلاقی است. به گفته لیب در تعریف "تربیت اخلاقی" نظرات مختلفی وجود دارد. برخی آن را "نامی برای امری مهم" (۳) تعریف کرده اند که بر سر درگمی در مورد معنای تربیت اخلاقی دلالت دارد. برخی تعریف "تربیت اخلاقی" را به عملکرد خاصی در مدرسه محدود کرده اند. اگر بخواهیم تعریف کلی از تربیت اخلاقی ارائه کنیم می‌توان آن را چنین تعریف نمود: تربیت اخلاقی مداخله مستقیم و غیر مستقیم نهادهایی مانند خانواده، دین و مدرسه است (هر چند تربیت اخلاقی لزوماً به این سه نهاد محدود نمی‌شود) که بر رشد اخلاقی فرد تأثیر می‌گذارد. این تأثیر در رفتار فرد، توانایی وی برای تفکر دربارهٔ موضوعات مربوط به درست و غلط، و دیدگاهی که در مورد درست و غلط اتخاذ می‌کند، باید دیده شود. تربیت اخلاقی عموماً به عنوان بخش جدایی ناپذیر کارکرد نهادهایی مانند خانواده، دین و مدرسه در نظر گرفته می‌شود. با این حال، در سال‌های اخیر تأثیر این نهادها بر رشد اخلاقی تا حد زیادی کاهش یافته است و سردرگمی اخلاقی منعکس شده در این نهادها بر هر نظاره گر نقادی آشکار است (۴).

¹ Robert Hall

در این رویکرد باور بر این است که دانش آموز باید سردرگمی ارزشی خود را روشن و شفاف نموده و با استفاده از روش‌های ارائه شده در این رویکرد، از الگوهای رفتاری که حاکی از بی تفاوتی هستند به سوی الگوهای رفتاری که شور و شوق در آن‌ها دیده می‌شود، حرکت کنند. اما، طرفداران شفاف سازی ارزش‌ها با اعتقاد به نسبی بودن ارزش‌ها، باید منطقاً بپذیرند که الگوهای رفتاری حاکی از بی تفاوتی به اندازه الگوهای رفتاری انتخابی آنان یعنی الگوهای رفتاری دارای شور و شوق، خوب و مناسب هستند. بنابراین، طرفداران رویکرد شفاف سازی ارزش‌ها باید بپذیرند که دانش آموزان ممکن است هیچ دلیلی برای حرکت از الگوهای رفتاری حاکی از بی تفاوتی به سوی الگوهای رفتاری دارای شور و شوق نداشته باشند. طرفداران شفاف سازی ارزش‌ها دانش آموزان را به انجام کاری ترغیب می‌کنند که (به تأیید خودشان) هیچ دلیلی برای انجام آن ندارند و انجام چنین کاری، نادرست است. (۴).

رویکرد تربیت اخلاقی مراقبت محور:

اخلاق مراقبت^۱ تاریخ کوتاهی از اواخر قرن بیستم دارد. در این رویکرد، رفتار اخلاقی مبتنی بر حس همدردی یا همدلی است؛ نیرویی که به واسطه آن انسان در لذت و رنج و شادی و غم دیگران شریک می‌شود. به عبارت دیگر، اخلاقی بودن یعنی مطابق حس همدردی رفتار کردن (۶). این رویکرد توسط کارول گیلیان^۲ (دستیاری تحقیقاتی کلبرگ) و عمدتاً در انتقاد به نظریه تحول اخلاقی کلبرگ شکل گرفته است (۴).

اخلاق زیر بنای تربیت اخلاقی است و در تربیت اخلاقی، شناخت انسان و دیدگاه‌های اخلاقی از اهمیتی بسزا برخوردار است. انسان اخلاقی بر اساس فلسفه اخلاق می‌اندیشد و آموزه‌های اخلاقی را در عمل به کار می‌بندد. در واقع کاربست اخلاق در حیطه عمل از وظایف تربیت اخلاقی است. به عبارت دیگر، تربیت اخلاقی ارتقا توانمندی انسان در به کار گیری توانایی‌های خود برای انجام رفتار خوب است و هدف تربیت اخلاقی پرورش توانایی‌های فرد در این زمینه است.

هدف اخلاق حفظ نظم در جامعه، احترام گذاشتن به انسان‌ها و عدم استفاده ابزاری از آن‌هاست. از دیدگاه سنتی نیز اخلاق تمام جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. بسیاری از فلاسفه و متخصصین تربیتی بر این باورند که شادی هدف زندگی است، برای مثال نیل^۳ می‌گوید "هدف زندگی کسب شادمانی است و تربیت آماده شدن برای زندگی است". نادینگر می‌گوید شادمانی و تعلیم و تربیت به یکدیگر وابسته اند اگرچه بسیاری از افراد این دو را در مقابل یکدیگر می‌بینند. از نظر او شادمانی باید هدف تربیت باشد و آموزش مؤثر آموزشی است که منجر به شادمانی فردی و اجتماعی شود. بهترین مدرسه، محیطی شبیه به بهترین خانه را دارد و مکانی شاد است. اگر یادگیرندگان باید در مدرسه خوشحال باشند، معلمان آن‌ها نیز

گذرانند، معلم فرصت کافی برای انتقال ارزش‌های اخلاقی به دانش آموز را خواهد داشت. تقریباً قابل تصور نیست که تفکر اخلاقی دانش آموز بتواند از جنبه‌های ذهنی و شناختی کلاس جدا شود. در کلاس زیست شناسی پرسش‌های در مورد تعریف، منشأ، و ارزش زندگی مطرح می‌شود. در بررسی حقایق تاریخی، موضوعات اخلاقی در مورد فعالیت‌هایی که در طول جنگ رخ داده اند و یا حتی خود جنگ مطرح می‌گردد. مسائل اخلاقی در عرصه سیاسی نیز ظهور می‌کنند به عنوان مثال زمانی که اقدامات رؤسای دولت‌ها و یا لابی‌های حقوقی ارائه شده به مجلس مورد بحث قرار می‌گیرند. اگر چه ممکن است برخی ادعا کنند که این مسائل را می‌توان جدای از مسائل اخلاقی مورد بحث قرار داد، اما چنین کاری عملاً امکان پذیر نیست.

رویکرد شفاف سازی ارزش‌ها هیچ معیار مناسبی برای حل و فصل تضادهای ارزشی ارائه نمی‌دهد. با نشان دادن این نکته که هر دو نظام ارزشی متضاد را می‌توان به یک اندازه با معیارهای شفاف سازی ارزش‌ها توجیه نمود، می‌توان نتیجه گرفت که معیارهای ارائه شده در این رویکرد توانایی حل هیچ تعارض ارزشی را ندارند. متذکر می‌گردد که طرفداران رویکرد شفاف سازی ارزش‌ها ادعا می‌کنند به کمک شفاف سازی ارزش‌ها، می‌توان به جای سردرگمی ارزش‌ها و الگوهای رفتاری غیر متعارف از قبیل بی تفاوتی، تلون مزاج، و رفتارهایی نظیر آن، الگوهای رفتاری متفاوتی در فرد ایجاد نمود.^۱ این الگوهای رفتاری (مانند اشتیاق، پشتکار و خود مدیریتی) در درون خود دارای هماهنگی و توازن بیشتری هستند.^۵ اما، اگر رویکرد شفاف سازی ارزش‌ها، نظام ارزشی نسبی گرایانه‌ای را ارائه نماید، پس می‌توان استدلال کرد که هدف این رویکرد تلاش در جهت رفع تناقض بین الگوی رفتاری بی تفاوتی و اشتیاق داشتن نیست. هیچ دلیلی وجود ندارد که اثبات کند یکی از این الگوهای رفتاری بهتر از دیگری است. از منظر این رویکرد نسبی گرایانه، تصمیم ارزشی یک فرد (مانند بی تفاوتی) به اندازه تصمیم ارزشی متناقض با آن (مانند اشتیاق داشتن) خوب و درست است.

می‌توان نتیجه گرفت از آنجا که طرفداران رویکرد شفاف سازی ارزش‌ها معتقدند ارزش‌ها نسبی هستند، روشن است که از نظر آنان هیچ مجموعه‌ای از ارزش‌های درست وجود ندارد. به همین دلیل این رویکرد باید بپذیرد که هر دیدگاهی که با دیدگاه آنان در تضاد باشد به اندازه دیدگاه آنان موجه است. ضمناً اگر چه، طرفداران شفاف سازی ارزش‌ها می‌پذیرند که همه دیدگاه‌ها به یک اندازه ارزشمند هستند (پذیرش ناشی از باور به نسبی بودن ارزش‌ها)، مدعی هستند که این رویکرد مرجح است. به رویکردی که یک دیدگاه را می‌پذیرد و در عین حال باور دارد که دیدگاه‌های متضاد به همان اندازه موجه هستند، نمی‌توان اعتماد نمود.

³ Neill

¹ care ethics

² Gilligan C.

است "از انباشت^۳ مواجهه‌های برنامه ریزی شده و بدون برنامه ریزی که اگر با کسب دانش، مهارت، درک^۴ و قدر دانی^۵ همراه گردد به رشد منجر می‌شود". او می‌گوید تربیت مراقبت محور (با توجه به خود و دیگران) دارای چهار جزء اصلی است: الگو برداری، گفت و گو^۶، تمرین^۷ و تأیید^۸. در الگوی برداری^۹، معلم الگوی بچه هاست که از طریق تعامل، مراقبت کردن را به آن‌ها می‌آموزد. معلم باید با یاد گیرندگان به گفت و گو بپردازد، به نحوی که موضوع با بحث و گفتگو کشف و درک شود.^{۱۰} اگر بخواهیم افرادی تربیت کنیم که برای یکدیگر اهمیت قائل شوند (مراقبت کننده باشند)، باید برای آن‌ها زمینه تمرین مراقبت کردن را فراهم آورد و از همه مهم تر، در این فرایند ارائه بازخورد تأملی به منظور تأیید یادگیرنده ضروری است. از نظر نادینگر^{۱۱} "تأیید" عبارتست از آنچه که "توجه دیگران را از تربیت اخلاقی جدا می‌کند". بدین منظور باید دیگری را به خوبی بشناسیم، در غیر اینصورت نمی‌توانیم بفهمیم او برای چه تلاش می‌کند. فرمول و شعار در این بخش جایی ندارد"^{۱۲} (۴).

در نظریه نادینگر مراقبت مبنای رویکردی جدید به تربیت اخلاقی است که بر اهمیت رابطه‌های مراقبتی معلم- یادگیرنده تأکید دارد. این رویکرد بر این باور استوار است که کودکان برای افراد مورد اعتماد و مورد علاقه خود که به آن‌ها عشق می‌ورزند، با دل و جان کار خواهند کرد. نادینگر بر مبنای پیشینه تحصیلی و تلفیق آن با تجربه‌های حاصل از فعالیت‌های حرف‌های و آکادمیک خود، برقراری ارتباط متقابل عاطفی بین معلم - یادگیرنده را یک اصل مهم آموزشی و تربیتی می‌داند. او می‌گوید که برای ایجاد تغییرات ضروری در مدرسه، لازم است به خود و دیگران توجه داشته باشیم و از یکدیگر مراقبت کنیم.

با در نظر گرفتن تغییرات چشمگیر مسائل اجتماعی در دوره‌های مختلف و شتاب این تغییرات، پروفیسور نادینگر ادعا می‌کند که برنامه درسی، متناسب با مسائل روز و نیازهای در حال تغییر یادگیرندگان، نیازمند تغییر است. برای توضیح بیشتر این نکته، نادینگر می‌گوید که پروژه‌های برجسته برنامه درسی که پس از بحران اسپانتینیک مطرح شد قابل تقدیرند، اما، همان طور که جروم برونر^{۱۱} (۱۹۷۱) می‌گوید اصلاحات ناشی از بازنگری برنامه درسی، پاسخ گوی شرایط موجود نیست. برای مثال، پروژه MACOS^{۱۱} برونر و بسیاری از پروژه‌های برجسته دیگر در

باید شادمان باشند. اگر معلمان بدانند یکی از اهداف آموزش و زندگی شادمانی است، کودکان نیز این حس را دریافت می‌کنند و از فرصت‌های تحصیلی خود با خوشی استفاده می‌کنند اما نکته مهم آن است که این ارتباط اغلب نادیده گرفته می‌شود (۱-۵).

بسیاری از ما در حالی که به اهمیت شادمانی^۱ باور داریم می‌خواهیم آن را تعریف کنیم. هدف زندگی توجه کردن به دیگران و مورد توجه واقع شدن در حیطه انسانی است. اگر دستیابی به عقلانیت و تحسین زیبایی‌ها، اخلاقیات را به خطر افکند باید موقتاً آن‌ها را به کناری نهاد. در تربیت، جدا کردن هدف و وسیله از یکدیگر امکان پذیر نیست چون نتیجه دلخواه، بخشی از فرایند تربیت است و دیدگاه غالب این فرایند آن است که افراد تحت آن "بهرتر" می‌شوند. اگر آنچه که به طور آموزشی انجام می‌دهیم به نتیجه برسد و یاد گیرنده آنچه که طراحی شده را بیاموزد، موفق شده ایم اما اگر یاد گیرنده از موضوع طراحی شده و معلم خود متنفر شود از نظر آموزشی با شکست روبرو می‌شویم. یادگیرنده در نتیجه تلاش‌های ما و خودش "بهرتر" نمی‌شود و از دید او موضوع و معلم "مراقبت کننده" نیستند (۴).

از دیدگاه نیل و راجرز، ما باید صبر کنیم تا یاد گیرنده از خود علاقه مندی نشان دهد و پس از آن هدف گذاری کنیم و به اهداف مشخص برسیم. اما از نظر نادینگر این بدان معنا نیست که درس و مطالب لازم را نباید به او آموزش دهیم. از دید نادینگر، یادگیرنده باید بداند که او مهم تر و با ارزش تر از مطالب درسی است. آنچه می‌خواهیم بگوییم با دیدگاه معمول تربیت معاصر متفاوت است و در اینجا می‌خواهیم به صحبت‌های لویی روبن^۲ درباره تربیت اخلاقی اشاره کنیم. او در این باره می‌گوید: رفتار اخلاقی از مسائل روان شناختی یا غریزی منشأ نمی‌گیرد بلکه ناشی از تکامل تدریجی باورهای مناسب با توجه به رفتار صحیح انسانی است. ظرفیت و تمایل به اخذ تصمیمات اخلاقی، شاید هدف اصلی تربیت شهروندی است و بنابراین محصول "تعهد توأم با انتخاب" است؛ فرد ایدئال‌ها و نشانه‌های اخلاقی را انتخاب و متناسب با آن‌ها عمل می‌کند (۴).

نادینگر بر این باور است که هدف اصلی آموزش باید تربیت افرادی توانمند، مراقبت کننده، مهرورز و دوست داشتنی باشد. اگرچه نظریه نادینگر مذهبی به نظر می‌رسد اما دیدگاه او به تربیت، "عملیاتی" است. به اعتقاد نادینگر، یادگیرنده باید دانش و مهارت‌های لازم برای بررسی جهان پیرامون خود را بیاموزد. از نظر نادینگر، تربیت عبارت

¹¹ MACOS (Man, A Course of Study):

انسان موضوع مورد مطالعه: برنامه آموزشی رایج در دهه هفتاد در بریتانیا و آمریکا که بر اساس تئوری‌های برونر به ویژه برنامه درسی مارپیچی استوار بود. در این برنامه اعتقاد بر آن بود که یک مفهوم باید به طور مکرر در برنامه درسی در سطوح مختلف آموزش داده شود به نحوی که هر مرحله پیچیده تر از مرحله قبل باشد. فرایند تکرار باعث خواهد شد که یاد گیرنده مفاهیم پیچیده را به راحتی درک کند.

¹ happiness
² Louis Rubin
³ Constellation
⁴ understanding
⁵ appreciation
⁶ dialogue
⁷ practice
⁸ confirmation
⁹ modeling
¹⁰ Jerome Brunner

هستیم که برآمده از فناوری‌هایی است که در قلب آن فناوری‌ها، فناوری اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات در تعامل با انسان تولید فضای مجازی میکند و این فضا سپرها و پهنه‌های (sphere) متعددی را نیز تولید می‌کند؛ مانند سپهر رسانه‌ای، سپهر آموزشی و سپهر تجاری و... پهنه‌هایی که از نظر اندازه قابل مقایسه با اندازه آن‌ها در جهان سنتی و حتی مدرنیته کلاسیک نیستند (۷).

بنابراین فضای مجازی فضایی فناوری پایه، مبتنی بر فناوری ICT است که در آن تولید محتوا، پلايش داده، ذخیره سازی داده، پردازش داده و توزیع داده صورت می‌گیرد و در تعامل با انسان فضایی شبکه‌ای را می‌سازد که این فضا دارای خصوصیات مختلف و حتی منحصر به فردی است که آن را از فضاهای پیشین مجزا و متفاوت می‌کند. این فضا، به شدت در حال انبساط است و از این جهت آن را شبیه تئوری مهبانگ می‌کند! یعنی همانطور که نظریه مهبانگ که در دهه سی میلادی نضج گرفت جهان را در حال انبساط مداوم تصویر نمود و تأثیرات عمیقی را بر سایر حوزه‌های معرفتی، حتی علوم انسانی بر جای نهاد، فضای مجازی نیز موجب نوعی تغییر پارادیمی شد که به موجب آن تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیک، زیست محیطی و قانونی (pestel^۲) تحت تأثیر عمیق قرار گرفتند.

مهم‌ترین فرصت‌های فضای مجازی را می‌توان سرعت دریافت اخبار و اطلاعات روز مره دانست که امروزه علاوه بر رسانه‌های سنتی مانند روزنامه، رادیو و تلویزیون، از طریق صفحات مجازی با سرعت بیشتری در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرند.

این دسترسی سریع به اخبار و اطلاعات یکی از فرصت‌های ایجاد شده از سوی فضای مجازی برای کاربران است.

ارتباط مردم و رهبران فضای مجازی به عنوان یک رسانه خود می‌توانند وسیله‌ای برای ارتباط مردم و رهبران جوامع باشد تا بدین وسیله با یکدیگر در ارتباط باشند. این ارتباط دوسویه و تأثیراتی که این دو بر یکدیگر می‌گذارند می‌تواند از جمله فرصت‌های فضای جدید رسانه‌ای باشد (۸).

آموزش و انتقال فرهنگ رسانه‌ها که در این نوشتار رویکرد بر رسانه‌های مجازی و آنلاین است، به کمک معلومات آموزی بیش از پیش مخاطبان آمده اند و کتاب‌های صوتی و پی‌دی‌اف شده و ایجاد کانال‌هایی با رویکردهای مختلف از آشپزی تا پزشکی و روانشناسی و... همگی به نقش آموزش و انتقال فرهنگ از این

زمینه برنامه درسی دستاوردهای مهمی داشت اما قادر به حل مشکل کسالت و بی‌قراری^۱ گریبان گیر جامعه ما نبود.

نادیگنژ به شهود^۲ در آموزش معتقد است و از دید او معلم باید ظرفیت شهودی یادگیرنده را به نحوی ارتقا دهد که او به پتانسیل خود به عنوان یک یادگیرنده پی‌برد. این امر با شناخت معلم از شهود و ظرفیت شهودی آغاز می‌شود و معلم می‌تواند تجارب شهودی خود به خصوص مواردی که منجر به موفقیت شده را با یادگیرنده به مشارکت گذارد. او همچنین بر اهمیت ایجاد "مواجهه بیانگر" که از طریق آن شهود کشف می‌گردد تأکید می‌نماید و حتی معتقد است این مواجهه می‌تواند یکی از اهداف درس باشد (۴).

تربیت اخلاقی، فرهنگ تربیتی را ارتقا می‌دهد. در آموزش معمول در مدارس، یادگیرنده در هر کلاس بایک موضوع درسی آشنا می‌شود. در کنار هم قرار گرفتن موضوعات درسی به یادگیرنده احساس یکپارچگی می‌دهد. موضوع اخلاق مراقبت محور، یادگیرندگان و موضوعات درسی را با پرسش‌های وجودی مانند: مفهوم زندگی چیست؟ آیا خدایی هست؟ چگونه باید زندگی کنیم؟^۳ آشنا می‌سازد. هنگامی که معلم درباره "مراقبت" یعنی توجه به خود و دیگران صحبت می‌کند در دید یادگیرندگان تأثیری واقعی می‌گذارد و می‌تواند دانش جدیدی خلق کند. با ارائه تربیت اخلاقی متوجه می‌شویم که بزرگ‌ترین مسئولیت معلمان در داخل و خارج از مدرسه، پروراندن آرمان‌های اخلاقی در افرادی است که در تعامل با آنان قرار می‌گیرد.

فضای مجازی چیست؟

فضای مجازی، فضایی فناوری محور است. بدین معنا که پایه آن را فناوری (ict) که از آن به فناوری اطلاعات و ارتباطات تعبیر می‌کنیم تشکیل می‌دهد.

فناوری ict، یک فناوری از نوع MPT (multi-purpose technology) است؛ یعنی یک نوع فناوری چند منظوره است که به عنوان پایه برای سایر فناوری‌ها و بخش‌های اقتصادی استفاده می‌شود و فناوری‌هایی را بر روی خود سوار دارد و به آن‌ها شکل می‌دهد. به علاوه، ict به گونه‌ای است که سایر فناوری‌ها نیز به کمک آن می‌آیند؛ بنابراین هم خودش مولد فناوری است (مانند فناوری پردازش، فناوری هوشمندی، اینترنت اشیا، و یا سایر فناوری‌های ارتباطی) و از طرف دیگر فناوری‌های زیادی (همچون فناوری شناختی، فناوری‌های مکانیکال، فیزیکال، نانو فناوری، بیو فناوری، شیمی و...) را به خدمت می‌گیرد؛ در نتیجه ما با فضایی مواجه

سیاسی (political)؛ اقتصادی (economic)؛ اجتماعی (social)؛
تکنولوژیک (technological)؛ محیطی (environmental)؛ قانونی
(legal).

¹ Malaise

² intuition

³ existential question

^۴ فضای مزبور به دلیل برخورداری از خصلت‌های اطلاعاتی، ارتباطی و شبکه‌ای ماهیتی اجتماعی دارد و به همه حوزه‌های pestel رنگ و بوی اجتماعی می‌دهد. pestel سرنام واژه‌های زیر است:

کشورهای دیگر همچون ژاپن از سال ۱۹۴۹ برای مقابله با آسیب‌های ناشی از این فضاها اقدام کرده است، به طوری که از همان زمان شعارش این بود که «ژاپنی بمانیم اما از تمدن غرب عقب نمانیم» و تغییرات را از کتب درسی خود آغاز کرد و ما نیز در ایران باید با این شعار «ایرانی بمانیم اما از تمدن غرب عقب نمانیم» اقدامات خود را از سال‌های قبل آغاز می‌کردیم که متأسفانه این گونه نشده است. مهم‌ترین تهدیدهایی که کاربران فضای مجازی با آن مواجه هستند عبارتند از:

۱. بیگانگی با هویت

بدون علم سیر کردن در فضای مجازی می‌تواند هویت مارامخدوش کند. برای تحقق این مهم، وارونه‌نمایی ارزش‌ها و بیگانگی شدن نسل جدید با هویت اسلامی ایرانی اولین گام است. در این مرحله ارزش‌های جامعه در ظاهری متفاوت به مخاطب عرضه شده و سعی می‌شود در این شکل جدید با ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی، سیاه‌نمایی وجه غالب این فضا باشد (۸). یکی دیگر از اهداف را می‌توان تحت تأثیر قرار دادن شخصیت و ذوب کردن افراد در جریان غالب موجود در فضای مجازی دانست.

۲. نابودی خرده فرهنگ‌ها

یکی از باز خوردهای منفی گسترش فضای مجازی را می‌توان از بین رفتن خرده فرهنگ‌ها و بوجود آمدن فرهنگ‌های اینترنتی دانست. یکی از ویژگی‌های این فرهنگ نو ظهور این است که تماماً آیینی دار فرهنگ غربی بوده است. ارزش‌ها، هنجارها، باورها، اعتقادات و حتی هنرها در این فرهنگ به گونه‌ای انعکاسی از فرهنگ تمدن غرب بوده است و این جای تعجب ندارد، چرا که این جامعه فضایی زاینده پیشرفت تکنولوژی در غرب است.

۳. تسهیل قانون‌گریزی

بی‌شک در فضایی که هنجارهای یک جامعه رعایت نمی‌شود و ارزش‌ها، اخلاقیات، باورها و اعتقادات به شکل افسار گسیخته و غیر کارشناسانه مورد هجوم قرار می‌گیرند، قانون‌گریزی به پدیده‌ای شایع بدل می‌شود. این قانون‌گریزی‌ها در اشکال مختلفی چون؛ نشر اکاذیب، آمارهای دروغین، اخبار غیر واقعی، تخریب شخصیت‌ها، وارونه جلوه دادن حقایق به منظور تشویش اذهان عمومی نمود پیدا می‌کنند.

۴. تحریف انتظارات

یکی از بزرگترین مسائل اجتماعی که جوامع امروزی به آن مبتلا هستند ضعف بنیاد خانواده است. از آنجایی که مشکلات خانواده‌ها به صورت ناهنجاری‌های اجتماعی بروز می‌کند خانواده سلامت آن از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. مسائلی مانند بالا رفتن سن ازدواج، طلاق، فرار از منزل، فحشا و سایر مسایل خانوادگی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها سرد شدن ارتباطات عاطفی و

رهگذر دلالت دارند. در واقع رسانه‌های مجازی و اساساً فضای مجازی می‌تواند فراهم آورنده دانش و شکل دهنده ارزش‌ها باشند.

سرگرمی آموزشی:

فضای مجازی در کنار فرصت آموزش و فرهنگ سازی، بر جنبه سرگرمی نیز استوار است. سرگرمی و اهمیت آن تا جایی پیش رفته است که در دنیا صنعت سرگرمی بخش مهمی از نظام‌های اقتصادی محسوب شده و می‌تواند در سایه ایجاد سرگرمی، به یاری اقتصاد نیز بشتابد. در واقع رسانه با تمسک از فضای مجازی می‌تواند به سرگرمی آموزشی بپردازد و پیام‌های اخلاقی و توصیه‌ها را در خلا ل داستان‌های ادبی و حکایت‌های عامیانه مطرح کند تا در عین داشتن خاصیت سرگرمی آموزندگی را نیز تحت پوشش قرار دهد. در واقع آموزش در دل سرگرمی اتفاق افتد.

تسریع امور:

فضای مجازی بستری را برای نسل نوجوان و جوان فراهم کرده است که می‌تواند با استفاده از آن در زمینه آموزشی وضعیت بهتری را تجربه کنند. از جمله استفاده‌های مفیدی که نسل جوان از فضای مجازی دارد، عبارت است از

- استفاده از داده‌ها و اطلاعات گوناگون به منظور انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی

- تسریع در روند انجام امور اداری دانشجویان و دانش‌آموزان و نیز افراد شاغل؛ که بخصوص در مراحل ثبت نام دانشگاه و انتخاب واحدها موجب تسهیل کار دانشجویان شده است.

- برقراری سریع ارتباط با اساتید و معلمان، سایر دانشجویان و دانش‌آموزان به انواع روش‌های گفتاری، نوشتاری و تصویری.

- برقراری ارتباط بین دانشگاهی دانشجویان در شهرهای مختلف جهت انجام پروژه‌های علمی، چاپ نشریات و نیز مباحثه پیرامون مسائل علمی و آموزشی.

- استفاده از روش‌های آموزش از راه دور و غیر حضوری

نگاهی به تهدیدهای فضای مجازی

وقتی یک تکنولوژی مانند فضای مجازی ایجاد می‌شود، چون اطلاعات درست به کاربران آموزش داده نمی‌شود عموماً آن‌ها را به استفاده نادرست سوق خواهد داد یعنی باید نگاه اجتماعی به فضای مجازی داشته باشیم تا روش صحیح استفاده از آن را یاد بگیریم.

شبکه‌های اجتماعی مجال شکل‌گیری اجتماعات جدید از کاربران را فراهم می‌کند. «از زمان تونیس^۱ به بعد و تلاش او برای تعریف دو گونه تجمع انسانی، یعنی اجتماع در مقابل جامعه، همه متفکران علوم اجتماعی و فرهنگی «رودرو بودن»، «محدودیت تعداد»، و «ابتناء بر روابط عاطفی و نه روابط عقلانی» را از خصایص بنیانی اجتماع عنوان کرده‌اند.» (۹).

¹ Tonnies

ناراضی‌ها از زندگی خانوادگی است که باعث ناکامی و شکست‌های بزرگی در زندگی جوانان شده است.

۵. اعتیاد به اینترنت

ارسطو در تعریف فضیلت اخلاقی می‌گوید: فضیلت اخلاقی ملکه‌ای نفسانی است که حد وسط نسبت به افراد را بر می‌گزیند این کار به وسیله قوه عاقله صورت می‌گیرد و کسی که دارای عقل عملی است، به وسیله آن قوه، راه اعتدال را بر می‌گزیند، فضیلت میانه و رذیلت افراط و تفریط است. بنابراین تعریف فضیلت و رذیلت، اعتیاد اینترنتی و افراط در استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی رذیلتی اخلاقی خواهد بود؛ چرا که اعتیاد اینترنتی به معنای افراط در استفاده از اینترنت بدون هدفی معین و مفید و بلکه صرفاً به منظور سرگرمی و یا اموری از این دست است؛ با استفاده اعتدالی از اینترنت آسیب‌های آن دچار کاربران نمی‌شود (۹).

اعتیاد به اینترنت می‌تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان به وجود آورد. اگر استفاده کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند. بحران هویت و اختلال در شکل‌گیری شخصیت عناصر سه گانه هویت، یعنی شخص، فرهنگ و جامعه، هر یک در تکوین شخصیت فرد نقش مهمی را ایفا می‌کنند. هویت شخصی، ویژگی بی‌همتای فرد را تشکیل می‌دهد. هویت اجتماعی در پیوند با گروه‌ها و اجتماعات مختلف قرار گرفته و شکل‌گیری آن متأثر از آن‌ها است. در نهایت، هویت فرهنگی، برگرفته از باورهای است که در عمق وجود فرد به واسطه تعامل او با محیط پیرامون و آموزه‌های آن، از بدو تولد تا مهنسالی جای گرفته است. از آنجا که فضای مجازی، صحنه‌ای فرهنگی و اجتماعی است که فرد خود را در موقعیت‌های متنوع، نقش‌ها و سبک‌های زندگی قرار می‌دهد، خود زمینه‌ای است برای آسیب‌پذیری شخصیت کاربر که در نتیجه، موجب چند شخصیتی شدن کاربر خواهد شد.

۶. تعارض ارزش‌ها

تغییرات تکنولوژیکی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. یکی از چالش‌های فراروی فرهنگ‌ها برخورد با این پدیده است. از آنجایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده مغایر با فرهنگ خودی است، پس می‌توان گفت اینترنت می‌تواند آسیب‌های زیادی به همراه داشته باشد.

۷. شکاف نسل‌ها

امروزه سرعت تکنولوژی شکاف بین نسل فرزندان و والدینشان را بسط داده است. بر اساس آمار اعلام شده میزان گفت و گو در بین اعضای خانواده در کشور تنها حدود ۳۰ دقیقه است که این می‌تواند آسیب‌زا باشد. فرزندان در مقایسه با والدین با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای

متفاوتی دارند، عوامل متعددی بر این پدیده تأثیر گذارند و این شکاف را روز به روز بیشتر می‌کنند.

۸. انزوای اجتماعی

اینترنت و فضای مجازی که به وسیله آن ایجاد می‌شود، به دلیل نبود وابستگی به زمان و مکان، می‌تواند تفاوت میان فضاهای مختلف را از بین ببرد. به عنوان مثال مرز فضای خانه و محل کار از بین می‌رود، خانه می‌تواند تبدیل به بخشی از محل کار خود شود (۹).

در همین راستا دو نوع انزوای اجتماعی را می‌توان از هم تفکیک کرد:

- انزوای درونی: یک نوع احساس کمبود در حمایت‌های اجتماعی؛
- انزوای بیرونی: که این نوع انزوا زمانی رخ می‌دهد که فرد در فعالیت‌های اجتماعی شرکت نمی‌کند.^۱

امروزه اینترنت در زندگی اجتماعی، جای دوستان و نزدیکان را گرفته و در حقیقت جایگزین روابط دوستانه و فامیلی شده است. افرادی که ساعت‌ها وقت خود را در سایت‌های اینترنتی می‌گذرانند ممکن است بیشتر ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌گذارند چرا که فرد دیگر فعالیت‌های اجتماعی خود را کنار گذاشته و به فعالیت‌های فردی روی می‌آورد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد استفاده زیاد از اینترنت با پیوند ضعیف اجتماعی مرتبط است (۸).

بحث و نتیجه‌گیری:

با اشاره به مباحث فوق که به آن پرداخته شد می‌توان نتیجه گرفت که فضای مجازی همواره با فرصت‌ها و چالش‌هایی برای کاربران فضای مجازی روبرو بوده است و در حوزه تربیت اخلاقی در فضای مجازی می‌توان از دو رویکرد مراقبت محور و شفاف سازی استفاده کرد این دو رویکرد به کاربران اجازه می‌دهد که همواره در فضای مجازی به دنبال آنچه که دانش و اطلاعات و داده‌های پردازش نشده و خام نامیده می‌شود دسترسی داشته باشند و به دنبال راهکارهایی ارائه دهنده در مقوله مراقبت محور که با دادن بصیرت و آگاهی به کاربران پارامترهایی را معین و تدوین می‌کند تا خودشان به دنبال استاندارد سازی تربیتی و اخلاقی و دینی در حوزه وب و فضای مجازی برآیند. و در مقوله شفاف سازی ارزش‌ها همچنین کاربران با ارزش‌گذاری تربیتی و اخلاقی و حتی دینی بر اساس آموزه‌های مقدس دین اسلام به دنبال استفاده بهینه و پویاتر از فضای مجازی باشند در پایان بحث به نظر نگارنده این مقاله راهکارهایی براساس دو رویکرد فوق در فضای مجازی که به تفصیل به آن پرداخته شده است ارائه می‌گردد:

- روزانه کاربران زمان مشخصی را برای تمرین اصول تربیت اخلاقی قرار دهند همانند احترام گذاشتن به حریم خصوصی دیگران، رعایت عفت و ارتباط‌گیری در ارتباط با غیر همجنس، کنترل چشم و عدم نگاه کردن به سایت‌های مستهجن و هرگونه هرزه بینی.

¹ oakley

- استفاده از فیلترها جهت حفظ امنیت اخلاقی کاربران.
 - تهیه شبکه‌های اجتماعی بومی اسلامی و گسترش فعالیت‌های این نوع شبکه‌ها.
 - ایجاد کلاس‌های آموزشی جهت آموزش شبکه‌های اجتماعی (مخاطرات و فرصت‌ها) برای کاربران فضای مجازی.

- کاربران به دنبال گروه‌های اخلاقی باشند تا با تأثیرپذیری از این گروه‌ها کنش‌های اخلاقی و دینی انجام دهند.
 - خانواده‌ها با ارتباط گیری با خویشان کاربر را به عالم اجتماع واقعی بکشانند.
 - آموزش کاربران در استفاده از اینترنت و همچنین آشنا سازی آنان با مزایا و خطرات بیش از حد اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سپس در اختیار گذاشتن آن برای کاربران.

References

1. Rahnama A. Comparative critique of moral education from the perspectives of Kant and Khwaja Nasir al-Din Tusi. Tehran: Ayizh Publications; 2007. (Persian).
2. Zarghami S. Philosophy of Information Technology and Education. Tehran: Mobinaye Kherad Publications; 2009. (Persian).
3. Wilson BJ. First steps in moral education. J Moral Educ. 1996;25(2):123-135.
4. Hassani M. Modern Approaches to Moral Education. Tehran: Madrese Publications; 2015. (Persian).
5. Herman B. Moral Literacy. London: Harvard University Press; 2007.
6. Ghaffari A. A Study and Critique of Virtue and Grief Approaches in Moral Education. [PhD Thesis]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2002. (Persian).
7. Firoozabadi AH. Virtual Space and its Transformations. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications; 2019. (Persian).
8. Pourianni J, Nasiri M, Vashmenoor M. Virtual Space and Media Literacy. Tehran: Pashtiban Publications; 2020. (Persian).
9. Khan Mohammadi K, Shameli AA. Ethics in Social Networks; An Ethical Confrontation with the Harms of Social Networks. Tehran: Bager Alolum Research Institute Publications; 2021. (Persian).